

اسطوره واسطوره شناسی
نزد اکس مولر

بهمن بن سواد مطلق
بهروز عظیم پور

Mythn&Mythology
to Max Muller
Bahman Namvar Motlagh
Behrooz Avazpour

اسطوره و اسطوره‌شناسی نزد ماکس مولر/بهمن نامور مطلق/بهروز عوض‌پور/

چاپ اول ۱۳۹۵/تبریز/۱۱۰۰ نسخه/چاپ میهن/

مجموعه اسطوره‌شناسی ها/کتاب ۲/ماکس مولر/زیر نظر بهمین نامور مطلق/

اسطوح ویرایش: ب/۱/

قطع رقعی، ۲۳۲ صفحه/ب نازنین/۱۲ کاغذ ۷۰ گرمی مازندران/

اشایک: ۱۶-۰-۷۶۹۷-۶۰۰-۹۷۸/

مدیر هنری و طراح گرافیک: ارسلان آقاخانی/

غتره کزی: خیابان چای کنار، به طرف آپرسان، نرسیده به پل سنگی، جنب ساختمان کوثر/

پلاک ۲۵۵/طبقه دوم/تلفن: ۰۴۱-۳۳۳۶۴۴۳۸/

آکارگاه نشر: ابتدای جاده ایدم، کوچه‌ی سیلو، پلاک ۳۳۶/تلفن: ۰۴۱-۳۴۷۸۱۹۷۰/

www.mugham-pub.com/

info@mugham-pub.com/

حق چاپ برای نشر موغام محفوظ است.



قیمت ۱۸۰۰۰ تومان

نسخه‌ی الکترونیک این کتاب در fidibo.com در دسترس است.

telegram.me/mughampub [mugham.pub](https://www.instagram.com/mughampub)

سرشناسه: نامور مطلق، بهمین ۱۳۴۱
عنوان و نام پدیدآور: اسطوره و اسطوره‌شناسی
نزد ماکس مولر/بهمین نامور مطلق، بهروز عوض‌پور
مشخصات نشر: تبریز: انتشارات موغام، ۱۳۹۵
مشخصات ظاهری: ۲۴۰ ص
فروست: مجموعه اسطوره‌شناسی؛ ۲/زیر نظر بهمین نامور مطلق
شابک: ۱۶-۰-۷۶۹۷-۶۰۰-۹۷۸-۱۸۰۰۰۰ ریال
وضعیت فهرست نویسی: قیفا
یادداشت: کتابنامه.
موضوع: مولر، ماکس، ۱۹۴۷-م. - نقد و تفسیر
موضوع: اسطوره‌شناسی
موضوع: اسطوره‌شناسی -- تاریخ و نقد
شماره افزوده: عوض‌پور، بهروز، ۱۳۵۸-
رده بندی کنگره: ۱۳۹۴ ۲۸۸/م/ PNY۵
رده بندی دیویی: ۸۰۱/۹۵۰۹۲
شماره کتابشناسی ملی: ۴۱۰۹۴۶۲

فهرست

پیشگفتار.....	۱
بخش نخست: شخصیت علمی ماکس مولر و شکل گیری آن.....	۹
مقدمه.....	۱۰
قسمت نخست: پارادایم پوزیتیویسم.....	۱۲
۱-۱- علم زبان شناسی تاریخی.....	۱۵
۱-۲- علم عام ادیان.....	۱۶
۱-۳- علم اسطوره شناسی.....	۱۷
قسمت دوم: روش تطبیقی.....	۱۹
۱-۲- زبان شناسی تاریخی-تطبیقی.....	۲۰
۲-۲- دین شناسی تطبیقی.....	۲۳
۲-۳- اسطوره شناسی تطبیقی.....	۲۴
قسمت سوم: اقوام هندواروپایی.....	۲۶
مؤخره.....	۲۸

۳۱	بخش دوم: اسطوره‌شناسی‌های ماکس مولر و شکل‌گیری آن‌ها
۳۲	مقدمه
۳۴	قسمت نخست: اسطوره‌شناسی طبیعی
۵۱	قسمت دوم: اسطوره‌شناسی تطبیقی
۹۰	قسمت سوم: اسطوره‌شناسی خورشیدی
۱۱۵	مؤخره
۱۱۹	بخش سوم: نمادها و کاربردی
۱۲۰	مقدمه
۱۲۲	قسمت نخست: اسطوره‌ی اوروآسی و پوروراویس
۱۴۰	قسمت دوم: اسطوره‌ی کفالوس و یروکریس
۱۶۳	قسمت سوم: فیلم سینمایی زندان زن
۱۸۸	مؤخره
۱۹۱	توضیحات تصاویر
۲۰۹	نمایه
۲۲۱	کتابنامه

پیشگفتار

ماکس مولر یکی از برجسته‌ترین محققان قرن نوزدهم است که به تنهایی بنیان‌گذار چندین دانش با گرایش علمی به حساب می‌آید. دانش دین‌شناسی به ویژه دین‌شناسی تطبیقی و ادیان‌شناسی به ویژه اسطوره‌شناسی تطبیقی با نظرات وی شکل علمی به خود گرفتند. به حق ماکس مولر یکی از نوابغ کم نظیر تاریخ علم و از بزرگترین شخصیت‌های قرن نوزدهم به شمار می‌رود. وطن وی دانش بود، چنان که در آلمان و بعد شد و پس از تحصیلات اولیه در آلمان به منظور تکمیل آن‌ها به فرانسه رفت، مدتی آن‌جا به تحصیل پرداخت و برای دستیابی به منابع شرقی و ادامه‌ی پژوهش به انگلستان رفت و در آن‌جا مستقر شد. به همین دلیل وی میراث‌دار چندین روش علمی مانند ایده‌آلیسم و فیلولوژی آلمانی، عقل‌گرایی و پوزیتیویسم فرانسوی و تاریخ‌نگاری و سیانتیسم انگلیسی است. شاید در نگاه نخست هم‌نشینی این جریان‌ها که به تضاد هم هستند غیرممکن به نظر آید، اما باید توجه داشت که مولر توانسته است این تفکرات متضاد را با هم آشتی دهد و از هر کدام خوشه‌ای برای مطالعات خویش برچیند. آشنایی با چندین زبان مانند سنسکریت، عربی و فارسی و دسترسی به منابع اصیل شرقی موجب گردیده است تا وی به یکی از دانشمندان اصیل و عمیق دوره خویش تبدیل گردد.

ماکس مولر محقق‌ی خستگی‌ناپذیر بود و در طول زندگی خویش بیش از صد کتاب تألیف کرد. مهم‌ترین اثر اسطوره‌شناختی وی همانا "رساله‌ای بر اسطوره‌شناسی تطبیقی" است که تألیف آن موجب شده است که بسیاری از محققان این عرصه

او را به عنوان بنیان‌گذار شاخه‌ی "اسطوره‌شناسی تطبیقی" معرفی کنند.

اسطوره‌شناسی یکی از دانش‌های مورد علاقه مولر بود، چنان که بخش مهمی از پژوهش‌های او به این حوزه اختصاص دارد. مولر با توجه به تجربه پژوهشی خود به رویکردی تازه در اسطوره‌شناسی دست یافت که به طور هم‌زمان از سه دانشگاه فیلولوژی، پوزیتویسم و سیانتیسم بهره می‌برد. این رویکرد تازه بی‌سابقه بود و نه اسطوره‌شناسان پیشین به ویژه بنیان‌گذار دانش اسطوره‌شناسی یعنی فردریش کروزر دیده نمی‌شد. البته با توجه به پارادایمی که مولر در آن می‌زیست برخی دیگر از معلمان ماکس کوهن، نیز در همین مسیر گام‌های قابل توجهی برداشتند، اما هیچ یک موفق به کسب رتبه مولر را نکردند.

مولر علاوه بر تئوری اسطوره‌شناسی را وارد دوره جدیدی کرد و بنیان‌های علمی آن را استحکام بخشید، چنان که به همین دلیل برخی وی را اساساً بنیان‌گذار این دانش می‌دانند. همچنین توانست نخستین شاخه‌ی اسطوره‌شناسی یعنی اسطوره‌شناسی تطبیقی را نیز طراحی کند. در دوره‌ای که بر پایه مواجهه‌ی غرب با شرق و منابع شرقی، و همچنین کمیت مطالعاتی این منابع هر دانشی شاخه‌ای تطبیقی وضع می‌کرد، در اسطوره‌شناسی این امر مهم به دست ماکس مولر محقق گردید. اسطوره‌شناسی تطبیقی به مطالعه‌ی اسطوره‌های دو تمدن غربی و شرقی می‌پردازد. مطالعه تطبیقی پیش‌تر توسط مکتب‌های مختلف انجام می‌گرفت اما این مطالعات اغلب مواقع درون تمدنی بود، برای مثال میان فرهنگ یونانی و فرهنگ رومی. در واقع تا پیش از مولر هیچگاه مطالعه‌ی اسطوره‌ها به مقایسه‌ی میان اسطوره‌های شرقی و غربی نپرداخته بود. و از همین راه است که در این مورد که وی بنیان‌گذار دانش "اسطوره‌شناسی" است تردید وجود دارد. در این که او بنیان‌گذار "اسطوره‌شناسی تطبیقی" است، اختلافات بسیار اندک است. به بیان دیگر، مولر توانست دانش بسیار جوان اسطوره‌شناسی را که حاصل مطالعات نیمه‌ی اول قرن نوزدهم بود، صاحب فرزند یا شاخه‌ای به نام اسطوره‌شناسی تطبیقی در نیمه دوم همین قرن کند.

در این دوره، دانش‌ها و مطالعات تطبیقی که خود را در عرصه‌های گوناگون

معرفت غربی گسترده بودند به غرب امکان داد تا شرق را بشناسد. همچنین غرب را به اشتباه تاریخی و بنیادین خویش، این گمان که با شرق تفاوت ماهوی دارد، آگاه کرد. اسطوره‌شناسی تطبیقی مانند زبان‌شناسی تطبیقی و حتی آناتومی تطبیقی ثابت کرد که بخشی از آسیا با اروپا رابطه‌ی خویشاوندی داشته است. پس این دو اسباب میان دو تمدن غربی و شرقی دچار دگرگونی‌های اساسی شد. مطالعات مولر در حوزه اسطوره توسط نسل‌های پسین، شخصیت‌هایی مانند ژرژ و میزیل، تدام یافت. به عبارت دیگر، گرچه محققان بزرگ پسین مجبور شدند روش تاریخی حتی نقش مولر را دستکاری و اصلاح کنند اما جای توجه دارد که پایه‌ای که در گذشته بود در واقع موجبات چنین حرکتی را فراهم می‌آورد. اسطوره‌شناسی تطبیقی به معنای امروزی این محققان اجازه می‌داد تا پژوهش آن‌ها از خلوت و فردیت خارج شود. امکان سنجش پیدا کند و از تعمیم‌های ناروای غیرعلمی کاسته شود. گفنی است که مولر این روش تحقیق را نه فقط در حوزه مطالعات اسطوره، بلکه در هر نهادهای، به خصوص مطالعات دین‌شناسی نیز مورد تاکید قرار می‌داد.

در حوزه‌ی مطالعات میدانی و موردی، ماکس مولر بیش از همه متوجه پیکره‌ها و منابع هندواروپایی بود. در واقع در نظرات وی بر روی آریایی‌گرایی دیده می‌شود زیرا نه فقط محور پژوهش‌های وی تمدن‌های آریایی است، بلکه نتایج حاصل از آن نیز از نقش ویژه آریایی‌ها در شکل‌گیری تمدن بشری حمایت می‌کند. بر اساس نظریات مولر، آریایی‌ها از یک خاستگاه مشترک برخاسته‌اند و بعدها به دلایلی به سوی سرزمین‌های اروپایی و بخشی از آسیا حرکت کردند و با خود تحولات عمیقی را موجب گردیدند. مولر اسطوره‌شناسی تطبیقی خود را بر پایه مطالعات اقوام آریایی به ویژه خاستگاه مشترک زبانی و دینی آن‌ها بنا کرد. نظرات مولر بر برخی از شخصیت‌ها و جریان‌های انسان‌شناسی تأثیرات جدی گذاشت چنان که به دنبال این گرایش‌هایی چند در زمینه آریایی‌گرایی ایجاد شد. اشکال افراطی این گرایش‌ها را به خصوص نزد برخی شخصیت‌ها مانند آرتور دو گوبینو و برخی گرایش‌های سیاسی اجتماعی مانند نازیسم می‌توان مشاهده کرد.

مولر با بهره‌گیری از فیلولوژی و زبان‌شناسی تاریخی توانست به شکل‌گیری

درخت اسطوره‌شناختی هندوآروپایی کمک کند. مطالعات وی بر پایه‌ی اسطوره این اقوام استوار گردید. او برای چنین مطالعاتی از رویکردی مخصوص به خود استفاده کرد. بررسی تاریخی و ریشه‌شناختی واژه‌های اسطوره‌ای نشان داد که تا چه حد اسطوره‌های اصیل و بنیادین هندوایرانی با یونانی-رومی و حتی ژرمنی-انگلساکسونی نزدیک و هم ریشه هستند؛ و همین دستاوردها بود که دنیای اروپا را دچار تکانه کرد، دنیایی که خود را تافته‌ای جدا بافته از دیگر تمدن‌ها نمی‌پنداشت و سرشت خویش را متفاوت می‌دید.

فیلولوژی می‌اث بود که مولر از آلمان با خود منتقل می‌کرد و در شکل‌گیری مهم‌ترین نظرهای وی نقش کلیدی ایفاء می‌کرد. فیلولوژی موجب شد تا محققان آلمانی به دستاوردهای بزرگی در تحقیقات خویش در عرصه‌های گوناگون به خصوص زبان‌شناختی نائل آیند. این نحو از دانش کانون مطالعات زبان بود. گفتنی است که فیلولوژی تظاتی به سران یک روش موثر در مطالعات اسطوره‌شناسی در اندک زمانی به کشفیات بی‌بقره‌ای انجامید. شناخت سنسکریت برای محققان فیلولوژیست نقش کانونی باری می‌کرد چنان‌که از همین راه آن را پایه بسیاری از پژوهش‌های مقایسه‌ای خویش عمداً کردند. بر اساس نظریه‌ی فیلولوژیک به ویژه نزد مولر باید خاستگاه‌ها، شباهت‌ها و تفاوت‌های بنیادین تمدن‌ها را در زبان جستجو کرد. زبان هنوز به عنوان شاخص مهم می‌تواند چنین پژوهش‌هایی را تضمین کند. وی مانند برخی دیگر بر این عقیده بود که زندگی زبان‌ها به شکل مستقل در طول تاریخ در جریان بوده و ساختار زبانی بر اندیشه و آراء جوامع تأثیری عمیق و موثر به جای گذاشته است. از نظر مولر واد، مولر سوم یعنی مولر در انگستان زبان‌شناسی و فیلولوژی، بیش از این‌که با علم سانی منطبق باشد با علوم زیستی منطبق است. یکی از عمده اختلافات میان مولر و برخی از مخالفانش همچون لانگ جایگاهی بود که آن‌ها برای زبان قائل بودند. زیرا مولر برخلاف لانگ زبان را ابزاری ساده برای انتقال اندیشه و احساس نمی‌پنداشت بلکه زبان را در شکل‌گیری خود آن‌ها موثر می‌دانست.

چندین نظریه معروف و بنیادین از سوی مولر مطرح شد که یکی از مهم‌ترین آن‌ها نظریه "بیماری زبانی" است. "بیماری زبانی" یکی از بنیادی‌ترین نظریه‌ها

برای تبیین چگونگی شکل‌گیری اسطوره‌ها تلقی می‌گردد. می‌توان با آن مخالفت کرد اما نمی‌توان آن را نادیده گرفت. بر اساس این نظریه شکل‌گیری اسطوره‌ها نتیجه یک سوء تفاهم تاریخی-زبانی است. زیرا نسل‌های اولیه به دلایل گوناگونی که در متن این نوشتار توضیح داده خواهد شد برای تبیین حوادث و وقایع طبیعی و انسانی از زبانی استعاری و مجازی بهره می‌بردند. در حالی که این مجازها توسط نسل‌های پسین حقیقی پنداشته شد و با روایت‌هایی شاخ و برگ پیدا کرد. روایت‌هایی که خاستگاه حکایت‌های اسطوره‌ای نزد جوامع گوناگون شدند. در این میان واژه‌ها و نسل‌های آن‌ها به خصوص واژه‌های چند معنایی و معناهای چندواژه‌ای نقش اساسی را ایجاد ابهام و ابهام در تحریک تخیل روایت‌پرداز ایفاء می‌کنند. در نهایت بدین ترتیب بیان استعاری و مجازی جوامع اولیه به شکل‌گیری روایت‌های اسطوره‌ای نزد نسل‌های پسین می‌انجامد.

یکی از گرایش‌های پژوهشی در دوره‌های اخیر، موار یافتن محورهای تمدنی بود تا به وسیله آن به تبیین بنیان‌های اسطوره‌ای و باطن دلی فرهنگی تمدن‌ها پرداخته شود. مولر در این خصوص متوجه طبیعت است و بر همین اساس اسطوره‌شناسی طبیعت را بنیان نهاد. این نحو از اسطوره‌شناسی از پیروان بسیاری برخوردار گردید. بر اساس این اسطوره‌شناسی تمامی اسطوره‌ها توحه به نسبت میان انسان و جهان بیرونی و به طور خاص طبیعت قابل تبیین هستند. اساطیر ترجمه باورها و احساسات انسان‌های کهن در مورد طبیعت پیرامون و اتفاقات بزرگ طبیعی به شمار می‌روند. محققان قائل به این نوع از اسطوره‌شناسی می‌گویند تا مشخص کنند کدام عنصر یا اتفاق طبیعی بیش از همه موجب حدوث اسطوره‌ها شده و به دنبال آن به عنوان بنیان اسطوره‌های آن جوامع عمل کرده است. در این خصوص برخی از محققان رعد و برق، برخی دیگر گیاهان، برخی نیز رودخانه‌های بزرگ را محور تفکر و تخیل تمدن‌های هندواروپایی فرض کرده‌اند. اما ماکس مولر بر خورشید تاکید می‌ورزد و خورشید را محور اصلی تفکر و تخیل اقوام هندواروپایی در نظر می‌گیرد.

بر اساس این نظریه خورشید بزرگ‌ترین و قدرتمندترین و در عین حال سودمندترین اسطوره تلقی می‌گردد و بیش‌ترین و کامل‌ترین روایت‌ها نیز به

خورشید و اسطوره‌های مرتبط با آن مربوط می‌شود. همچنین دیگر اسطوره‌ها نیز با توجه به نسبت‌شان با خورشید ارزش‌گذاری می‌شوند چنان‌که همه‌ی اسطوره‌ها با شدت و ضعف یا حضور و غیاب تجلی استعاری خورشید اساساً هستی و حیات می‌یابند. تحولات بزرگ دیگر مانند شب و روز، تغییر فصول و سال، بارندگی و خشکسالی و بسیاری دیگر با توجه به اراده‌ی مستقیم یا غیرمستقیم این اسطوره صورت می‌گیرد. یادآوری می‌شود اقوام هندواروپایی به دلیل خاستگاه اقامتی خود در مناطق سردسیر شمالی نیاز حیاتی بیشتری به خورشید داشتند و همین نیاز منزلت بی‌نظیری را برای این ستاره به دنبال می‌آورد. این مسأله از این جهت حائز اهمیت است که چنین منزلتی نزد اقوام دیگر، به طور مثال سامیها، کمتر به چشم می‌آید.

نظرات ماکس مولر بس زود طرفداران و مخالفانی جدی پیدا کرد. مکاتب و جریان‌هایی که با این نظریات به راه افتاد در مقابل هم صف‌آرایی کردند. یکی از منتقدان جدی و سرشناس مولر همانا اندرو لانگ بود. لانگ به طور کلی محقق جدلی بود که گاه به نظریه‌ی مولر و گاه به آثار جیمز فریزر حمله ور می‌شد. وی در خلال نقدهایش به دیگران نظرات خویش را نیز ارائه می‌کرد و اثرش با عنوان "اسطوره‌شناسی مدرن" یکی از کتاب‌های مرجع در این حوزه تلقی می‌گردد. یکی دیگر از شخصیت‌هایی که در عین تکرار نظرات مولر در نهایت به اصلاح آن‌ها پرداخت اسطوره‌شناس برجسته فرانسوی ژرژ دومیزیل است. وی مطالعات خود را با تبعیت از روش فیلولوژیک مولر شروع کرد و بحث‌ها بر آن تأکید ورزید. اما پس از ناکامی‌هایی چند به فکر اصلاح نظریه و روش اسطوره‌شناسی تطبیقی افتاد و توانست نظریه تازه‌ای را طرح کند که بر پایه‌ی کارکردی سه‌گانه‌ای استوار بود.

نظریه‌های ارائه شده توسط ماکس مولر در دنیای معاصر وضعیت متفاوتی یافته است. امروزه نظریه‌های جدیدی از سوی اسطوره‌شناسانی مانند ژرژ دومیزیل، جوزف کمبل، نورتروپ فرای و بسیاری دیگر مطرح گردیده است. چنان‌که نظریه‌های مولر را به شدت متأثر ساخته‌اند. با این حال نظریه‌های ارائه شده توسط این محقق برجسته قرن نوزدهمی همچنان در برخی از موارد و بر روی

برخی از پیکره‌های مطالعاتی قابل استفاده است.

در ایران ماکس مولر بسیار مهجور واقع شده است و کمتر مقاله یا به ویژه کتابی را می‌توان یافت که به طور اختصاصی به این شخصیت بزرگ و تأثیرگذار پرداخته باشد. در این دیار، این محقق بیش‌تر به عنوان نظریه‌پرداز و بنیان‌گذار دین‌شناسی تطبیقی شناخته می‌شود و در کتاب‌های نوین دین‌پژوهی در دانشگاه به ویژه در حوزه‌های علمیه اشاراتی به وی می‌شود. اما باید گفت که آراء مولر در همان عرصه نیز به طور روشمند و اختصاصی مورد مطالعه قرار نگرفته است. در عرصه اسطوره‌شناسی به ماتب کمتر به وی توجه شده و اندیشه‌های وی به کل ناشناخته باقی مانده است.

در این رابطه نوشتار حاضر می‌تواند در دو نظر قابل توجه باشد: نخست این که حافظه تاریخی و علمی ما فاقد یک کتاب تالیفی در مورد یکی از بزرگ‌ترین اندیشمندان تاریخ اسطوره بود و این کتاب می‌تواند چنین شکافی را تا حد زیادی پر کند. ما نیاز داریم تا حفره‌های حاد خود را پر کنیم، چه در غیر این صورت برخی از پژوهش‌های ما دچار نقصان جدی خواهند شد. دو دیگر این که نظریه‌های ماکس مولر به طور کلی کنار گذاشته شده است و هنوز می‌توان در مطالعات باستان‌شناختی یا اسطوره‌ای و حتی برخی از آثار روان‌شناسی آن استفاده کرد. تعدادی از مثال‌ها و نمونه‌هایی که در این نوشتار از آن‌ها استفاده شد، یا خود این کتاب به آن‌ها پرداخته است این ادعا را تأیید می‌کند.